

رویکردی تحلیلی بر سازکارهای مبارزه با «بیوتروریسم کرونا و ویروس» در اسناد بین‌المللی و قوانین و مقررات داخلی

سید علی اکبر موسوی*
غلامحسین مسعود** مسعود راعی***

چکیده

این روزها، کرونا ویروس و سیر صعودی افزایش تعداد مبتلایان و کشته‌های آن، اذهان عمومی کشورهای جهان را به خود مشغول کرده است. از همان ابتدای شیوع آن در چین، سپس در سراسر جهان تحلیل‌های زیادی درباره بیولوژیکی بودن آن منتشر شد که کرونا ویروس یک جنگ بیولوژیکی و مصداق بیوتروریسم است. سوال اساسی این است که در صورت اثبات فرضیه بروز یک جنگ بیولوژیک علیه کشورمان، اهرم‌های قانونی مقابله با آن در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی کدام است؟ پژوهش پیش‌رو با هدف «بررسی وضعیت مقابله با بیوتروریسم کرونا- ویروس در قوانین داخلی و اسناد بین‌الملل» با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای- اسنادی انجام گرفته است. نتایج نشان داد

* دانشجوی رشته حقوق کیفری، گروه آموزشی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

Smousavi49@gmail.com

** استادیار، گروه آموزشی حقوق، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده

مسئول) dr.gh.masoud@gmail.com

*** دانشیار، گروه آموزشی حقوق، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

masoudraei@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۵

که در نظام حقوقی ایران جرم مستقلاً تحت عنوان بیوتروریسم به عنوان جرم اصلی وجود ندارد، اما در قوانین متعدد جلوه‌هایی از مفهوم تروریسم زیستی یافت می‌شود که به دلیل سرعت عمل کند قانون‌گذار، نبود نگاه افتراقی به بیوتروریسم، ضعف ضمانت اجرا سازکارهای مبارزه با آن، کارآمد نیست به طوری که نیازمند بررسی و تصمیم‌گیری‌های جدید است. نیاز به تکمیل و اصلاح تدابیر بین‌المللی نیز از لحاظ داشتن ضمانت اجرای قوی و پیش‌بینی یک سیستم راستی‌آزمایی کارآمد و فنی، لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: بیوتروریسم، پروتکل ژنو، تروریسم، کنوانسیون خلع سلاح بیولوژیک، کرونا و ویروس.

۱. مقدمه

چند ماهی است که ویروس کرونا به خبر اول تمام رسانه‌های جهان تبدیل شده است. در دسامبر ۲۰۱۹ برای اولین بار در شهر ووهان استان هوبئی چین، پس از اینکه مردم بدون علت مشخصی دچار سینه‌پهلو شدند و واکنش‌ها و درمان‌های موجود مؤثر نبودند، نوع جدیدی از کروناویروس با همه‌گیری در انسان شناسایی شد. احتمال «جنگ بیولوژیکی» بودن شیوع کرونا هر روز ابعاد جدیدی به خود می‌گیرد و کارشناسان معتقدند «بررسی ژنوم ویروس» می‌تواند به رد یا تأیید این فرضیه کمک کند. سازمان بهداشت جهانی به عنوان متولی این مسئله می‌تواند ضمن بررسی، نتیجه یافته‌های خود را در دسترس افکار عمومی قرار دهد اما این نگرانی وجود دارد که کشورهای شمال که معمولاً با زور امورات را مدیریت می‌کنند و نه با منطق، مانع چنین شفافیتی شوند.

اگر فرضیه فوق تأیید شود، رژیم آمریکا متهم اصلی آن خواهد بود چرا که برای دست یافتن به اهداف خود از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کند.

مقابله اقتصادی با چین که این روزها با آن درگیر است و مقابله سیاسی با ایران، مهم‌ترین فرضیه‌هایی است که می‌تواند انگیزه رژیم آمریکا برای شروع چنین جنگ بیولوژیکی است.

«اورلی لوی ابکاسیس» عضو کنست رژیم صهیونیستی گفته که ویروس کرونا بیماری منتقل شده از حیوان به انسان نیست، بلکه این ویروس یک سلاح بیولوژیکی است که در آزمایشگاه ساخته شده است. «دیمیتری نوویکوف» معاون اول رئیس کمیته بین‌الملل

پارلمان روسیه، نیز صراحتاً از فعالیت برخی کشورها برای ساخت سلاح‌های بیولوژیک سخن گفته و این موضوع را دیگر یک مساله محرمانه نخوانده است. اثبات بیولوژیک بودن ویروس‌های ساخته دست بشر، به آسانی امکان پذیر نیست و تاکنون هم هیچ یافته علمی نتوانسته به طور قاطع یک ویروس را ساخته و پرداخته آزمایشگاه‌های نظامی معرفی کند. حتی اگر کشوری که درگیر ویروشی شبیه کرونا شده، آن را بیولوژیک بخواند، تا زمانی که سازمان بهداشت جهانی که مسئول اعلام این موضوع است، آن را اعلام نکند، این موضوع به رسمیت شناخته نمی‌شود (سایت تحلیلی الف، ۱۳۹۸/۱۲/۲۶).

این ویروس برای نخستین بار در ۳۰ بهمن سال ۱۳۹۸ در ایران شیوع پیدا کرد. نوع شیوع و گسترش ویروس کرونا و میزان مرگ و میر سبب شده که احتمال حمله‌ی بیولوژیکی این ویروس تقویت شود.

زیرا یکی از ویژگی‌های سلاح‌های بیوتروریستی این است که هدف‌های مورد اصابت، تا مدت‌ها بعد از حمله مشخص نخواهد شد. و متأسفانه همین فاصله‌ی زمانی امکان ردیابی (تعقیب) مهاجم را از دستگاه‌های امنیتی (و قضایی) خواهد گرفت و به تروریست‌ها اجازه‌ی فرار از صحنه را خواهد داد.

مقامات کشورمان نیز احتمال حمله بیولوژیکی یا بیوتروریستی بودن آن را مطرح ساخته‌اند.

نخستین بار فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آن‌را را مطرح نمود و گفت: «این ویروس ممکن است محصول تهاجم بیولوژیکی آمریکا باشد که در ابتدا به چین و سپس به ایران و سایر نقاط دنیا شیوع پیدا کرده، ...».

سپس فرمانده قرارگاه پدافند غیرعامل هم با تأیید تلویحی بیولوژیکی بودن ویروس کرونا، گفت: «این ویروس بخش زیادی از ویژگی‌های جنگ بیولوژیک را دارد اما می‌توان با بررسی بیشتر توسط متخصصین ویروس‌شناسی مشخص شود که آیا این یک جنگ بیولوژیک است یا خیر.».

برخی دیگر از مقامات کشورمان نیز این فرضیه را مطرح کرده‌اند. همه این موارد در حد احتمال بود تا این‌که رهبر معظم انقلاب اسلامی دستور تشکیل قرارگاه بهداشتی و درمانی برای مقابله با ویروس کرونا را صادر کردند. یک نکته بسیار ویژه در پیام رهبر انقلاب وجود داشت که سوءظن و حدس برای بیولوژیکی بودن ویروس کرونا را تقویت کرد.

ایشان در بخش از پیامشان بر لزوم سازمان‌دهی این خدمات در قالب یک «قرارگاه بهداشتی و درمانی» برای پیشگیری از شیوع بیشتر این بیماری تأکید و خاطرنشان کردند: «این اقدام با توجه به قرائنی که احتمال «حمله بیولوژیکی» بودن این رویداد را مطرح کرده می‌تواند جنبه رزمایش دفاع بیولوژیک نیز داشته و بر اقتدار و توان ملی بیفزاید».

البته مقامات برخی دیگر از کشورهای جهان نیز بر احتمال بیوتروریستی بودن شیوع ویروس کرونا را مطرح کرده‌اند.^۱ (خبرگزاری خبر آنلاین، ۹۸/۱۲/۲۳).

اما جنگ بیولوژیک یا بیوتروریسم چیست؟ آیا بیوتروریسم شاخه‌ای از تروریسم است؟ تروریسم به عنوان یکی از تهدیدات جدی علیه صلح و امنیت جهان در زمان حاضر شناخته شده است. به طوری که در سطح بین‌المللی از حدود ۱۰۰ حادثه به بیش از ۴۰۰ حادثه در سال‌های ۱۹۷۴-۱۹۷۶ و بیش از هزار حادثه در سال ۱۹۷۸ بالغ شده است (غمامی، ۱۳۸۴: ۵۰).

اما در این میان موضوع بیوتروریسم به عنوان شاخه‌ای بسیار پیچیده از تروریسم نوین از اهمیت و برجستگی خاصی برخوردار است.

از بیوتروریسم گاه با عنوان جنگ بیولوژیک نیز یاد می‌شود (3238-3235: 2002, Lederberg). ولی در عمل، واژه «بیوتروریسم» را هم به معنی ارباب و هم به مفهوم جنگ بیولوژیک، به کار می‌برند (شاه حسینی، ۱۳۸۰: ۲۰۳).

بیوتروریسم طبق تعریف پلیس بین‌الملل عبارت است از: منتشر کردن عوامل بیولوژیکی یا سمی با هدف کشتن یا آسیب رساندن به انسان‌ها، حیوانات و گیاهان با قصد و نیت قبلی و به منظور وحشت افکنی، تهدید و وادار کردن یک دولت یا گروهی از مردم به انجام عملی یا برآورده ساختن خواسته‌ای سیاسی یا اجتماعی (شاه حسینی، ۱۳۸۰: ۲۰۳).

مرکز کنترل و پیش‌گیری بیماری‌های آمریکا (Centers for Disease Control and Prevention) عوامل بیولوژیک را به سه دسته طبقه‌بندی کرده است

دسته اول: بسیار خطرناک‌اند و در زیر گروه امنیت ملی طبقه‌بندی می‌شوند؛ همچنین به راحتی منتقل شده و می‌توانند موجب بروز مرگ و میر بالایی شوند. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: تولارمی، آنتراکس، آبله، بوتولیسم، طاعون.

دسته دوم: نسبت به دسته پیشین راحت تر منتقل شده و میزان تلفات پایین تری دارند. از این عوامل می توان به بروسلوزیس، توکسین اپسیلون کلستریدیوم پرفرینجنس و تب Q اشاره کرد.

دسته سوم: پاتوژن های در حال ظهور هستند که برای انتشار جمعی، مهندسی شده اند. ویروس نیپا، هانیا ویروس، سارس، H1N1 و HIV از این دسته اند (Sobel, 2002: 725). امروزه بیشتر حملات بیوتروریستی از طریق آلوده کردن محصولات کشاورزی و منابع غذایی (و حتی انتشار عوامل بیماری زا) با اهداف اقتصادی صورت می گیرد. واقعیت این است که افکار و اعمال بیوتروریستی همواره از هزاران سال قبل وجود داشته و گاهی ظاهری افسانه گونه و باورنکردنی به خود گرفته است (Clifford, 2008: 332).

۲. پیشینه پژوهش

گرچه موضوع بیوتروریسم و استفاده از عوامل بیولوژیک و زیستی در جنگ ها و منازعات سابقه ای طولانی دارد، ولی موضوع بیوتروریسم، موضوع جدیدی است که در ارتباط با آن پژوهش های اندکی صورت گرفته است.

سابقه استفاده از سلاح های بیولوژیک به بیش از سیصد سال قبل از میلاد مسیح بر می گردد، زمانی که رومی ها چاه های اطراف شهر را توسط لاشه های حیوانات مرده آلوده می کردند (Robertson & Robertson, 1995: 369-373). به گواهی تاریخ، بسیاری از امامان معصوم (ع)، رهبران و شخصیت های مذهبی با مواد بیولوژیک به شهادت رسیده اند که در بین آنها، امام حسن (ع)، امام رضا (ع) و مالک اشتر (ره) جلب توجه می نمایند (محمدی، ۱۳۷۹: ۲۶۱).

اما با همه ی اهمیتی که مقوله بیوتروریسم دارا می باشد، به نظر می رسد در حقوق داخلی، کمتر به این موضوع پرداخته شده است؛ هرچند کتب و مقالاتی مانند: بیوتروریسم و راه های مقابله با آن (مرادی، ۱۳۹۵)، موازین حقوقی در منع دستیابی تروریست ها به سلاح های زیستی (موسوی و چهل تنی، ۱۳۹۰) قوانین و مقررات ملی و بین المللی در مقابله با بیوتروریسم (جمولی و همکاران، ۱۳۹۶)، دیپلماسی کنترل جنگ افزارهای زیستی (میرزایی، ۱۳۹۰) موجود است.

اما سوال اساسی این است که در صورت اثبات فرضیه بروز یک جنگ بیولوژیک علیه کشورمان، اهرم‌های قانونی مقابله با آن کدام است؟ سازوکارهای قانونی مبارزه با بیوتروریسم در اسناد بین‌المللی چیست؟ نوشتار پیش‌رو، ابتدا به بررسی اجمالی وضعیت مبارزه با سلاح‌های بیولوژیک در اسناد بین‌المللی می‌پردازد، سپس این موضوع را در قوانین و مقررات داخلی بررسی می‌کند. آنگاه با مقایسه‌ای تطبیقی میان قوانین و مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی، کاستی‌های آن‌ها را برمی‌شمارد و در پایان پیشنهادهایی ارائه می‌دهد.

۳. اسناد بین‌المللی

در اسناد بین‌المللی تمهیداتی جهت مبارزه با تهدیدات بیولوژیک از جمله کرونا ویروس به عنوان مصداقی از جرایم تروریستی در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیک ۱۹۷۲، و قطعنامه‌های شورای امنیت و سازمان ملل متحد از جمله قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت اندیشیده شده است.

۳-۱. پروتکل ژنو ۱۹۲۵

نخستین هنجار بین‌المللی درباره ممنوعیت بکارگیری جنگ افزارهای زیستی، «پروتکل ممنوعیت استفاده از تسلیحات بیولوژیکی ژنو ۱۹۲۵» نامیده می‌شود. این پروتکل؛ اولین سند معتبر جهانی در زمینه منع کاربرد جنگ افزارهای شیمیایی و میکروبی می‌باشد که در سال ۱۹۲۴ از سوی جامعه ملل برای مطالعه کاربرد جنگ افزارهای شیمیایی و بیولوژیکی تشکیل شد. ایران نیز در سال ۱۳۰۸ به این پروتکل پیوست. مفاد این پروتکل با الهام از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در منع کاربرد سم و یا موادی که موجب رنج و آزار غیر ضروری می‌شود، تنظیم گردیده و خود موجب تاسیس یک عرف قانونمند در حقوق بین‌الملل شده است (علی‌پور، ۱۳۸۵: ۱). این پروتکل اگرچه دارای فکر و اندیشه خوبی بود، اما در عمل به طرز عجیبی، آغازگر مسابقه تسلیحات بیولوژیکی جدید شد. تنها تعهدی که درباره جنگ‌افزارهای زیستی برای کشورهای عضو آن متصور بود عدم به کارگیری عوامل باکتریولوژیک در جنگ بود. اما با بررسی پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، به نظر می‌رسد مفاد آن برای همه کشورهای عضو پروتکل الحاقی لازم‌الاجرا است، یعنی به کارگیری عوامل باکتریولوژیک ممنوع است، و در صورت اثبات به کارگیری توسط هر کشور، موضوع آن کشور به شورای امنیت ارجاع خواهد شد (میرزایی، ۱۳۹۰: ۸-۷).

بدین ترتیب و با توجه به این که پروتکل ژنو فاقد ابتدایی و اصلی‌ترین ابزار اجرایی می‌باشد، لذا قدرت اجرایی و کنترل نداشته و عمدتاً اثر معنوی و اخلاقی و در مواردی آثار سیاسی آن موجب اعتبار آن شده است. علاوه بر نواقص مذکور، اصولاً پروتکل ۱۹۲۵ ژنو با ضعف‌های دیگر نیز مواجه بوده است از جمله: امکان ارائه تفاسیر متناقض و گاه متضاد از شمول ممنوعیت موضوع پروتکل یکی از آنها می‌باشد، اگر چه متن پروتکل در خصوص ممنوعیت کاربرد گازهای سمی و خفه کننده کاملاً روشن و صریح می‌باشد، لیکن در خصوص شمول آن به سایر انواع عوامل شیمیایی مانند گاز اشک‌آور، عوامل ضد گیاه بحث و جدل‌های فراوانی، تقریباً بلافاصله پس از امضای پروتکل در گرفت. دولت‌ها در خصوص شمول ممنوعیت موضوع پروتکل بر گاز اشک‌آور و انواع دیگر گازهای غیرکشنده و یا عوامل ضد گیاه و سایر عواملی شیمیایی مشابه با یکدیگر اختلاف نظرهای شدیدی داشتند.

ضعف عمده دیگر پروتکل ۱۹۲۵ ژنو حق مقابله به مثل و اقدامات تلافی‌جویانه است که از سوی بسیاری از کشورهای عضو محفوظ گردیده است.

بدین ترتیب تعدادی از کشورهای عضو این پروتکل اعلام داشتند که مقررات پروتکل در رابطه با عدم کاربرد سلاح‌های شیمیایی و میکروبی را صرفاً در مقابل کشورهایی که عضو این پروتکل باشند رعایت می‌نمایند و عده‌ای دیگر پروتکل را با این شرط و قید امضا کرده‌اند که کشورهای دیگر علیه آنها از سلاح‌های شیمیایی استفاده نکرده باشند. به عبارت دیگر این دسته از کشورها، تا زمانی به الزامات خود در پروتکل پایبند هستند که مورد حمله شیمیایی قرار نگرفته باشند، در غیر این صورت کلیه الزامات و تعهدات آنها در پروتکل ساقط گردیده و در مقام مقابله به مثل و تلافی می‌توانند از این سلاح‌ها استفاده نمایند. و نهایتاً پروتکل ژنو قاعده‌ای در زمینه الزام پیوستن کشورها به آن را وضع نکرده بود و ممنوعیت فقط در برگرفته کشورهای عضو بود و کشورهای غیر عضو را در بر نمی‌گرفت. به هنگام کاربرد سلاح‌های شیمیایی بین دو کشور که یکی عضو پروتکل و دیگری عضو نبود چگونگی برخورد با متخلف (کشور غیر عضو) پیش بینی نشده بود، درگیری‌های مصر و یمن و کاربرد جنگ افزارهای شیمیایی یکی از نمونه‌های بارز این نقص می‌باشد.

۲-۳. کنوانسیون تسلیحات بیولوژیکی ۱۹۷۲

هرچند کنوانسیون بیولوژیک نسبت به پروتکل ژنو دارای نقاط قوت است، اما هرگونه

قابلیت یا ضمانت اجرایی است، از این رو گزارش‌های متعددی مبنی بر نقض کنوانسیون گزارش شده است که سازوکاری برای برخورد با آنها وجود ندارد. اما به هر حال مهم‌ترین سند در زمینه منع گسترش این نوع سلاح‌ها، کنوانسیون منع گسترش، تولید، و انباشت سلاح‌های بیولوژیک و انهدام آنها است (ممتاز، ۱۳۷۷: ۲۲). این کنوانسیون نخستین معاهده خلع سلاح چند جانبه است که هرگونه سلاح‌های کشتار جمعی را ممنوع می‌کند. پس از جنگ جهانی دوم در چارچوب مذاکرات مربوط به خلع سلاح عمومی، دو موضوع خلع سلاح شیمیایی و میکروبی در کنار سایر جنگ-افزارهای هسته‌ای متعارف مورد توجه قرار گرفت. پس از کش و قوس‌های فراوان بین دو بلوک شرق و غرب، سرانجام این کنوانسیون در سال ۱۹۷۲ برای امضاء مفتوح و در سال ۱۹۷۵ لازم‌الاجرا شد. ایران نیز در سال ۱۳۵۳ آن را به تصویب رساند.

۳-۲-۱. کنفرانس‌های بازنگری

بر اساس ماده ۱۲ کنوانسیون، کشورهای عضو هر ۵ سال یک بار می‌توانند اقدام به بازنگری کنوانسیون نمایند. از زمان اجرایی شدن کنوانسیون شش کنفرانس بازنگری تشکیل شده است. در کنفرانس بازنگری اول (۲۱ مارس ۱۹۸۰) از کشورهایی که طی بیانیه‌ای نداشتن جنگ‌افزار زیستی خود را اعلام کرده بودند تشکر نمود و آن را نشانه‌ای از اعتمادسازی دانسته و از بقیه‌ی کشورها خواسته بود که چنین بیانیه‌ای بدهند. در کنفرانس بازنگری دوم (۲۶ سپتامبر ۱۹۸۶) توافق شد که اجلاس علمی ویژه‌ای برگزار شود تا درباره اقدامات اطمینان‌ساز تحت ماده ۵ کنوانسیون مذاکره شود. نتیجه این توافقات تشکیل اجلاس ویژه متخصصین بود.

مهم‌ترین اقدام عمل کنفرانس بازنگری سوم (۹ سپتامبر ۱۹۹۱) تصویب فرم‌های اطمینان‌ساز بود که باید کشورهای عضو همه ساله پرکنند و به کنفرانس خلع سلاح ژنو ارسال نمایند. موضوع مورد بحث دیگر در این اجلاس، بررسی «رژیم بازرسی» بود (میرزایی، ۱۳۹۰: ۲۵-۲۸).

در کنفرانس بازنگری چهارم (۲۵ نوامبر ۱۹۹۶) موضوعاتی مانند: اصلاح نام کنوانسیون و اضافه نمودن عبارت منع بکارگیری جنگ افزارهای زیستی، پایبندی به مفاد ماده ۱ کنوانسیون، راستی‌آزمایی و سازکار مشورتی طبق ماده پنج کنوانسیون مورد بررسی قرار گرفت.

کنفرانس بازنگری پنجم در دو دوره (۱۹ نوامبر تا ۷ دسامبر ۲۰۰۱): دور اول پس از سه

هفته مذاکره سرانجام در روز نماینده آمریکا دستورالعمل گروه موقت را نفی نمود و رئیس اجلاس مجبور شد که اجلاس را به مدت یک سال تعلیق نماید. بدین ترتیب آمریکا عملاً مسئول شکست کنفرانس گردید (میرزایی، ۱۳۹۰، ۸۴). در دور دوم کنفرانس بازنگری پنجم (۱۱ تا ۱۶ نوامبر ۲۰۰۲) آمریکا نظر بیشتر کشورهای غربی را به سمت خود متمایل نمود و پیشنهاد نمود که به جای ادامه مذاکرات گروه موقت هر ساله تا کنفرانس بازنگری ششم دو اجلاس تشکیل گردد. در این اجلاس‌ها فقط راجع به بند ۵ بحث شود ولی مذاکره صورت نگیرد.

مهم‌ترین موضوعات ششمین اجلاس بازنگری (۲۰ نوامبر تا ۸ دسامبر ۲۰۰۶) عبارت بودند از: چالش با آمریکا، نقل و انتقال مواد و تجهیزات زیستی، برنامه اقدام برای اجرای ملی، گسترش فرم‌های اطمینان‌ساز، پایبندی به کنوانسیون، اشاره به اجلاس‌های قبلی و احیای پروتکل.

نکاتی که از کنوانسیون ۱۹۷۲ قابل دریافت است:

۱. این کنوانسیون نخستین مورد می‌باشد که جرم‌انگاری را به عنوان یکی از این اقدامات اجرائی ملی مطمح نظر قرار داده است. براین اساس، دولت‌های عضو از تولید، توسعه و نگهداری عوامل جنگی بیولوژیک منع شده‌اند.
۲. این کنوانسیون دارای کاستی‌ها و نواقصی است از جمله: مفاد کنوانسیون، بین اهداف نظامی و غیر نظامی تفکیکی قائل نشده است و هیچ مرجع بین‌المللی مسئولیت بررسی پایبندی کشورهای عضو را عهده‌دار نیست (شیشه‌چی‌ها، ۱۳۹۲: ۴۷).
۳. از نظر حقوقی برای کشورهای عضو لازم الاجراست، یعنی هیچ کشور عضوی حق توسعه، تولید، و انباشت جنگ‌افزار زیستی را ندارد. اما این کنوانسیون هیچ سیستم راستی‌آزمایی ندارد و نبود رویه اثبات نقض کنوانسیون از نقاط ضعف آن است.
۴. کشورهای عضو کنوانسیون تنها از حیث سیاسی به آنها متعهد می‌باشند، از این رو چگونگی اجرای آن نیز توسط کشورهای عضو تعیین شده، هیچ رویه قانونی برای راستی‌آزمایی یا پیگیری عدم اجرای این مصوبات وجود ندارد.

۳-۳. پروتکل ایمنی زیستی کارتاها

این پروتکل در اجرای بند ۳ ماده ۱۹ کنوانسیون تنوع زیستی مصوب ۱۹۹۲، در ژانویه ۲۰۰۰ در مونترال کانادا به تصویب رسید. این پروتکل سعی دارد تا قواعد و مقررات تجارت ایمن محصولات تراریخته را در سطح بین‌المللی تبیین و اجرا کند، تا ضمن

تضمین بهره‌برداری از مزایای مهندسی ژنتیک، از آثار سوء احتمالی آن بر تنوع زیستی، سلامت انسان، دام، گیاه و محیط زیست جلوگیری کند. این پروتکل دارای مقررات الزام‌آور و لازم‌الاجراست که کشورها را ملزم کرده تا در کشورهای خود و مراودات تجاری بین‌المللی یکسری اصول و استانداردها را رعایت کنند.

ایران نیز، عضو این پروتکل است. اما در مجموع، ناهماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی ذی‌صلاح و نبود ضمانت اجرایی کافی در کشور، سبب شده تا علیرغم وجود قوانین مرتبط از جمله قانون الحاق ایران به پروتکل کارتاگنا و قانون ایمنی زیستی، تنها از تولید تجاری گیاهان تراریخته در کشور جلوگیری به عمل آمده و در خصوص واردات این نوع محصولات، کنترل و نظارتی صورت نگیرد (صالحی و سلیمانی، ۱۳۹۷: ۱۷).

۳-۴. سایر اسناد بین‌المللی مرتبط با بیوتروریسم

کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی؛ کنوانسیون تنوع زیستی؛ پروتکل اول کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو مصوب سال ۱۹۷۷؛ کنوانسیون تغییرات محیط زیست مصوب سال ۱۹۷۷ (انمود)؛ قطعنامه ۱۳۶۸ مصوب سال ۲۰۰۱؛ قطعنامه ۱۵۴۰ مصوب سال ۲۰۰۴؛ قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت ۲۰۰۱ و ...

۴. مبارزه با بیوتروریسم کرونا ویروس در قوانین و مقررات داخلی

با پیوستن کشورمان به معاهدات ناظر بر سلاح‌های کشتار جمعی، و در راستای عمل به تعهدات بین‌المللی، در قوانین داخلی، جهت مبارزه با تهدیدات بیولوژیک تدابیری اندیشیده شده است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۴-۱. قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵

ماده ۶۸۷ مقرر می‌دارد: «هرکس در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی ... مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن یا هر نوع خرابکاری دیگر شود بدون آنکه منظور او اخلال در نظم و امنیت عمومی باشد به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد». در دو تبصره این قانون نیز می‌خوانیم «در صورتی که اعمال مذکور به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را خواهد داشت. و مجازات شروع به جرایم فوق یک تا سه سال حبس است».

در تجزیه و تحلیل این ماده نکاتی قابل دریافت است:

۱. عنصر مادی این جرم، تخریب یا ایجاد حریق و یا از کار انداختن و یا هر نوع خرابکاری دیگر مذکور در ماده می‌باشد. در این ماده، هر نوع خرابکاری و به هر طریقی در دو فرض قصد اخلال در نظم و امنیت عمومی و بدون آن، جرم‌انگاری و برای آن دو کیفر متفاوت مقرر شده است (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۵۲).
- با توجه به مراتب فوق، بیوتروریسم را می‌توان به مجموعه اقدامات خرابکارانه در وسایل و تاسیسات مورد استفاده عمومی که با هدف ایجاد هراس در جامعه صورت می‌گیرد، تعریف کرد.
۲. هر دو فعل مثبت و ترک فعل می‌توانند به عنوان عمل فیزیکی، موجب وقوع عملیات تروریستی شوند. فعل مثبت، مانند آن که فردی مقداری مواد سمی یا میکروبی را در منابع تامین آب، مانند سد به کار گذارد، و با پخش آن تاسیسات مذکور مسموم و غیر قابل استفاده شوند (اسدی و وروایی، ۱۳۹۸: ۶). به نظر عده‌ای از علمای حقوق، تصور تحقق جرم تخریب با ترک فعل بعید است؛ ولی می‌توان آن را ممکن دانست (میر محمد صادقی، ۱۳۸۳، ب: ۱۷۸).
۳. این ماده می‌تواند اشکالی از بیوتروریسم را در بر بگیرد هر چند نبود افتراقی به مقوله بیوتروریسم و عدم فرق بین روش‌های مختلف ارتکاب رفتارهای مذکور در این ماده مشهود است.
۴. ایراد وارده به ماده ۶۸۷ آن است که هیچ تفاوتی بین تخریب و احراق قائل نشده است. از طرفی تخریب اموال کم ارزشی، مانند علائم راهنمایی و رانندگی را با تخریب تاسیسات عمومی مانند تاسیسات آب و برق برابر دانسته است.
۵. تبصره ۱ ماده می‌تواند از مصادیق تروریسم زیستی باشد، این تبصره با اعمال یک ضابطه ذهنی، مجازات این اعمال را در صورتی که «به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی» ارتکاب یابد، مجازات محاربه دانسته است (میر محمد صادقی، ۱۳۸۳، ج: ۲۰۴). براساس تبصره ۲ همین ماده، مجازات شروع به جرم تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن وسایل و تاسیسات مورد استفاده عمومی از یک تا سه سال حبس تعیین شده است (اسدی و وروایی، ۱۳۹۸: ۹).
- ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی در مورد تهدیدات علیه محیط‌زیست و بهداشت عمومی است و اشعار می‌دارد: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، ... مرتکبین

چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد».

با بررسی این ماده نکاتی قابل دریافت است:

۱. با توجه به ذکر عبارت «از قبیل» نشان می‌دهد که موارد تهدید علیه بهداشت عمومی تمثیلی می‌باشند و موارد دیگری که برای بهداشت عمومی تهدید محسوب شود، مشمول این ماده می‌باشد. به عنوان مثال: تهدید علیه بهداشت عمومی با پخش ویروس خطرناک مانند کرونا و ویروس یا انواع میکروارگانیسم‌ها و مواد بیماری‌زا در مخزن آب آشامیدنی یک شهر.

۲. در این ماده فقط برخی از عناصر بیوتروریسم همچون آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده مطرح شده است. اما به دلیل این که مقنن از هدف و انگیزه خاص تروریسم زیستی که همان اختلال شدید در نظم عمومی است، سخن نگفته است، فلذا این ماده مشابه تروریسم زیستی در حقوق ایران تلقی نشده و فقط وجه تشابه آن با تروریسم زیستی از این جهت است که به ذکر برخی از عناصر مادی بیوتروریسم پرداخته است و در اصل یک جرم زیست محیطی محسوب می‌شود، چون قصد اختلال شدید در نظم عمومی را دارا نیست (میرکمالی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲-۱۱).

۳. با وجود این، از آن رو که «هر اقدام» تهدیدکننده بهداشت عمومی را جرم‌انگاری کرده است در غیاب جرم‌انگاری مناسب، می‌تواند برخی صور بیوتروریسم را دربر بگیرد، اما نبود نگاه افتراقی به موضوع تروریسم زیستی، عدم توجه به سوءنیت خاص مرتکبان و نیز کیفر خفیف پیش‌بینی شده در آن ضعف‌های مهمی است که نمی‌توان به این ماده به‌عنوان یک مستند قوی درباره جرم بیوتروریسم اعتماد کرد (اورسجی، ۱۳۹۶: ۴).

۴. با در نظر گرفتن آثار بازدارنده مجازات‌ها، تعیین حداکثر یک سال برای این جرم، مجازاتی سبک است.

۴-۲. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

مبارزه با بیوتروریسم نخستین بار به طور صریح در این قانون پیش‌بینی گردیده است، در ماده ۲۸۶ آمده است، هرکس به‌طور گسترده، مرتکب پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا معاونت در آنها گردد به‌گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی

کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد. با بررسی این ماده نکات ذیل قابل استنباط است:

۱. قانون‌گذار در این ماده، مرتکب «پخش مواد سمی و میکروبی» را مفسد فی الارض دانسته است؛ با توجه به درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و عدم ذکر اعدام، از نظر قانونی مسلم است که دیگر تعزیر در قالب اعدام از نظر نظام تقنینی ایران مورد پذیرش قرار نگرفته است. از این رو، با توجه به تعریف قانونی جرم افساد فی الارض در ماده ۲۸۶ و اعلام مجازات اعدام برای مرتکب یا مرتکبین جرائم این ماده، خصوصاً مرتکب «پخش مواد سمی و میکروبی» بی تردید آن را از مجازات‌های حدی به شمار آورده است (برهانی و احمد زاده، ۱۳۹۷: ۴). البته در مواردی مطابق تبصره ماده ۲۸۶ می‌توان به حبس درجه ۵ و ۶ حکم داد (برهانی، ۱۳۹۴: ۴۰).

۲. حکومت ماده ۲۸۶ از منظر رکن معنوی نیز باید مورد مذاقه دادرسان قرار گیرد. زیرا مطابق تبصره ماده، به نظر می‌رسد در جرایم مستوجب اعدام در مواردی که عنصر نتیجه محرز باشد، دادرسان دادگاه همچنان نیازمند احراز رکن معنوی و عنصر روانی دایر بر «قصد خاص» یا «علم به تاثیر» است، و الا حکم این تبصره حاکم بوده و در چنین مواردی مجراست و دادرسان باید بر اساس آن حکم به تعیین کیفر کنند (برهانی و احمد زاده، ۱۳۹۷: ۱۵).

۳. قانون‌گذار در این ماده بدون ارائه تعریفی از رفتار مجرمانه‌ی افساد فی الارض، مباشرت و معاونت در ارتکاب هشت دسته عمده از جرائم را مشمول حد افساد فی الارض قرار داده است.

۴. در این ماده پخش مواد سمی و میکروبی که می‌تواند برخی از صور ترور بیولوژیک (بیوتروریسم) باشد از جمله جرایم مقیدی است که ارتکاب آن باید به نتیجه‌ای خاص منجر شود. «اخلال شدید در نظم عمومی کشور»، «ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد»، یا «به اموال عمومی و خصوصی»، «ناامنی»، «اشاعه‌ی فساد و فحشا» نتایجی هستند که باید در نتیجه ارتکاب گسترده‌ی بیوتروریسم، به وقوع بپیوندند. در نتیجه با انتشار و شیوع گسترده ویروس کرونا در سطح ملی و بین‌المللی «پخش‌کننده عمدی این ویروس» بدون شک مصداق مفسد فی الارض می‌باشد. زیرا نتایج فوق مقید به عبارت «در حد وسیع» شده‌اند و این نتیجه حاصل شده است.

۵. مرتکب «پخش مواد میکروبی و سمی و خطرناک» مفسد فی الارض است و مجازات آن اعدام می‌باشد، که استناد به آن و اعمال مجازات اعدام برای این عنوان گسترده با توجه به این که هیچ معیاری برای تحدید و تعیین حدود عباراتی مانند عمده، گسترده و ... ارائه نداده؛ محل تردید است.

۶. در این ماده فقط به «پخش مواد میکروبی و سمی و خطرناک» اشاره شده است، در حالی که به «تولید، تملک، اکتساب، انتقال، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت غیرقانونی، سرقت، تحصیل متقلبانه و قاچاق سموم، عناصر و مواد میکروبی و بیولوژیک می‌تواند از مصادیق جرم بیوتروریسم باشد، اشاره‌ای نشده است، از طرفی عوامل بیولوژیک، طیف وسیعی از میکروب‌ها، ویروس‌ها، باکتری‌ها و مواد بیماری‌زای دیگر را نیز شامل می‌شود که در این ماده نیز به آن پرداخته نشده است. توضیح این‌که مطابق این ماده فقط پخش‌کننده ویروس کرونا قابل تعقیب و مجازات است در صورتی که به مهم‌ترین مصداق آن یعنی تولید‌کننده آن اشاره نشده و به موجب این مقرر قابل مجازات نیست.

۴-۳. قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰)

این قانون نیز موادی را به پیشگیری و مقابله با بیوتروریسم اختصاص داده است. در بند (ج) ماده ۲۰۶، مسئولیت مدیریت مقابله با تروریسم بیولوژیک به وزارت اطلاعات محول شده است، بر این اساس وزارت اطلاعات موظف است... کمیسیون ویژه‌ای مرکب از دستگاه‌های اصلی ذیربط برای تهیه و اجرای طرح جامع مبارزه با بیوتروریسم و تعیین وظایف هر یک از دستگاه‌ها به منظور مبارزه هماهنگ با تروریسم زیستی به صورت یک اصل نهادینه شده در کشور تا پایان برنامه تشکیل دهد. در تبصره ماده فوق آمده است: «کمیسیون مذکور موارد نیازمند قانون در زمینه بیوتروریسم را به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌کند».

تهیه و اجرای طرح جامع مبارزه با بیوتروریسم، هدف اصلی این ماده به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد، مقنن وجود تهدیدات زیستی را احراز نموده و به همین دلیل مبارزه با آن را «به صورت یک اصل نهادینه شده در کشور» مورد تاکید قرار داده است. بدون شک، یکی از اقدامات لازم به منظور تحقق «مبارزه هماهنگ» در این رابطه، تقسیم کار تقنینی، اجرائی و قضائی بوده و از آنجا که جرم‌انگاری نیازمند قانون‌گذاری می‌باشد، لازم است طرح مربوط توسط کمیسیون مذکور تهیه شده و نماینده قوه قضائیه نیز در سازکار مربوط عضویت داشته باشد.

۴-۴. قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه (۱۴۰۰-۱۳۹۶)

در بند چ ماده (۳۱) ممنوعیت هرگونه رهاسازی، تولید، واردات و مصرف محصولات تراریخته، در چهارچوب قانون ایمنی زیستی با رعایت مقررات و موازین ملی و بین‌المللی که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، پیش‌بینی گردیده است. تبصره این ماده نیز دولت را موظف به اقدام لازم برای آزمایش مواد غذایی و فرآورده‌های غذایی وارداتی جهت تشخیص مواد تراریخته نموده و با اطلاع رسانی مردم را از مواد غذایی تراریخته با خبر ساخته و خطرات احتمالی این مواد را که بر اساس آزمایشات معتبر معلوم می‌شود به مردم اعلام نماید.

از مفاد بند چ ماده ۳۱ دریافت می‌شود که هیچ‌گونه ممنوعیت مطلق راجع به هرگونه رهاسازی، تولید، واردات و مصرف محصولات تراریخته قابل استنباط نیست، و ممنوعیت مقرر در آن، با ملاحظه ممنوعیت مقرر در قانون ایمنی زیستی و حدود مقرر در قانون یاد شده، گردیده است. علاوه بر این، تبصره ذیل بند (چ) نیز مؤید امکان واردات این قبیل محصولات می‌باشد. نکته دیگر این که در قانون برنامه ششم، به عملیاتی‌سازی تکالیف دولت از قبیل ایجاد تمهیدات لازم برای اجرای قانون (محصولات تراریخته) اشاره‌ای نشده است و تنها به ممنوعیت تولید، رهاسازی، صادرات و واردات این قبیل مواد، در خارج از چارچوب قانون اشاره شده که آن هم به شکلی بسیار گنگ و غیرگویاست.

۴-۵. قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب سال ۱۳۹۴/۱۲/۲۲ و قانون اصلاح آن مصوب ۱۳۹۷/۴/۱۳

برای این که سازمان‌های تروریستی نتوانند با توسل به کمک‌های مالی دیگران مرتکب اعمال تروریستی شوند، قانون‌گذار ایران نیز برای پیشگیری از وقوع این جرم، قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم را در سال ۱۳۹۴ به تصویب رساند. این قانون جرم-انگاری نوین و نخستین قانونی است که در آن به مصادیق تروریسم در نظام حقوقی ایران اشاره شده است. این قانون برگرفته از کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با تأمین مالی تروریسم است. (اسدی و ورورایی، ۱۳۹۸: ۱۲). بر اساس بند ۲ و ۳ بخش «ب» و بند ۴ و ۵ بخش «پ» ماده ۱ این قانون، کمک مالی به کسانی که مرتکب اقدامات تروریستی، مانند ایراد خسارت شدید به محیط زیست از قبیل مسموم کردن آب‌ها و آتش‌زدن جنگل‌ها؛ تولید، تملک، اکتساب، انتقال، حمل، نگهداری، توسعه یا

انباشت غیرقانونی، سرقت، تحصیل متقلبانه و قاچاق سموم، عناصر و مواد هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و زیست‌شناسی (بیولوژیک) و استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و زیست‌شناسی (بیولوژیک) شوند، جرم تامین مالی تروریسم محسوب خواهد شد.

تفاوت بند «پ» با «ب» در این جاست که در بند «ب»، مرتکب این عمل را با انگیزه خاصی که در بند «الف» همین ماده مطرح شده، انجام می‌دهد، اما در بند «پ»، انگیزه مرتکب و نتیجه حاصله اهمیتی ندارد (میرکمالی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲).

نکاتی در مورد این قانون قابل دریافت است:

۱. استفاده از واژه مبهم «ایراد خسارت شدید» قیدی برای نتیجه مجرمانه تلقی شده است، به نظر می‌رسد معیار و ملاک احراز این عنوان مشخص نیست، از طرفی معلوم نشده بر چه اساس می‌توان به تحدید و تعیین مرز این واژه (شدید) پرداخت.

۲. اگر فعالیت اقتصادی و کمک مالی برای تولید،... سموم، عناصر و مواد بیولوژیک به قصد دیگری، غیر از تاثیر گذاری بر خط‌مشی، تصمیمات و اقدامات جمهوری اسلامی ایران انجام گیرد، تامین مالی تروریسم نبوده و طبق این ماده قابل تعقیب و پیگیری نمی‌باشد و یک جرم عادی محسوب می‌گردد.

۳. قانون‌گذار به طور منطقی در مورد انجام هر گونه فعالیت اقتصادی برای تولید و... بین مواد بیولوژیک و سلاح‌های بیولوژیک تفاوت قائل شده و سیاست کیفری سخت‌گیرانه‌تری نسبت به سلاح‌های بیولوژیک اتخاذ نموده است، به طوری که استفاده یا حتی تهدید به استفاده از سلاح‌های بیولوژیک را بدون داشتن انگیزه و صرف‌نظر از هر گونه نتیجه‌ای جرم می‌داند. به نظر می‌رسد این ماده در راستای اهداف مقدمه و ماده ۲ کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم و همچنین عمل به تعهدات بین‌المللی کشورمان می‌باشد که تامین مالی تروریسم را موضوعی می‌داند که موجب نگرانی شدید جامعه بین‌المللی را فراهم آورده است و معتقد است اقدامات موثر را باید از طریق پیگرد و مجازات مرتکبین در راستای همکاری‌های بین‌المللی افزایش داد.

۴. در تطبیق این قانون با ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، باید گفت، در ماده ۲۸۶ اولاً هیچ‌گونه اشاره‌ای به قصد مرتکب نشده و به محض پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک، مرتکب جرم بیوتروریستی شده، مفسد فی‌الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌شود. این در حالی است که مطابق این ماده، اگر اعمال مذکور در ماده مانند مسموم کردن آب‌ها، با مقاصد مذکور در فوق ارتکاب یابد و در صورتی که در

حکم محاربه یا افساد فی الارض تلقی شود، به مجازات آن محکوم می‌شود. ثانیاً بند «ب» ماده ۱ همین قانون به ایراد خسارت شدید به محیط زیست از قبیل مسموم کردن آب‌ها و آتش زدن جنگل‌ها اشاره دارد، که باید منجر به خسارت شدید به محیط زیست شود؛ ولی ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، علاوه بر خسارت شدید به محیط زیست، ارتکاب اعمالی را که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور و ورود خسارت عمده و وسیع به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی که محیط زیست نیز در زمره آن است، جرم‌انگاری کرده است. (اسدی و ورورایی، ۱۳۹۸: ۱۲).

۵. این قانون صرفاً فعالیت‌های اقتصادی و مالی را که به منظور انجام اعمال مذکور در قانون فوق آمده است، را جرم‌انگاری نموده است، اما به دیگر اعمال بیوتروریستی اشاره نشده است. فلذا این قانون نیز نمی‌تواند مبنا و اساس مبارزه با بیوتروریسم قرار گیرد و نظام حقوقی ایران را از وضع قانونی مستقل ویژه جرائم بیوتروریستی بی‌نیاز سازد.

۴-۶. قانون مقابله با قاچاق اسلحه و مهمات مصوب ۱۳۹۰/۰۶/۰۷

این قانون عمده‌ترین منبع حقوق کشورمان در رابطه با جرم‌انگاری سلاح‌های کشتار جمعی از جمله سلاح‌های بیولوژیک و اقلام و قطعات مربوط به آنها به شمار می‌رود.

مطابق ماده ۱ این قانون؛ قاچاق سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل عبارت از وارد کردن آنها به کشور و یا خارج نمودن آنها از کشور به طور غیرمجاز دانسته است.

ماده ۳ این قانون به صراحت به سلاح‌هایی از نوع شیمیایی، بیولوژیک و رادیولوژیک اشاره نموده است. براین اساس اقلام و مواد تحت کنترل عبارت از انواع مواد محترقه، ناریه، منفجره اعم از نظامی و غیرنظامی، شیمیایی، رادیواکتیو، میکروبی، گازهای بیهوش‌کننده، بی‌حس‌کننده و اشک‌آور و شوک‌دهنده‌ها (شوکرها) و تجهیزات نظامی و انتظامی است.

ماده ۴ وارد کردن هر نوع سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل به کشور، خارج کردن آن از کشور، ساخت، مونتاژ، نگهداری، حمل، توزیع، تعمیر و هرگونه معامله آن‌ها بدون مجوز مراجع ذیصلاح جرم است و مرتکب به مجازات‌های مندرج در این قانون محکوم می‌شود.

مطابق ماده ۱۱ مرتکب قاچاق مواد رادیواکتیو یا میکروبی، به حبس از بیست و پنج تا

سی سال و مواد منفجره نظامی یا شیمیایی، به حبس از پنج تا ده سال حبس تعزیری محکوم می شود.

به استناد ماده ۱۲ این قانون، اقدام به هر گونه معامله مانند خرید، فروش، نگهداری، حمل و توزیع غیر مجاز مواد رادیواکتیو یا میکروبی، پانزده تا بیست و پنج سال و مواد منفجره نظامی یا شیمیایی، دو تا پنج سال مجازات حبس تعزیری به دنبال دارد.

ماده ۱۳ در مورد خسارات احتمالی ناشی از مواد رادیواکتیو با جلب نظر کارشناسان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح یا سازمان انرژی اتمی است و آمده است: در صورتی که قاضی در مورد مواد رادیواکتیو تشخیص دهد اقلام یا مواد تحت کنترل، با توجه به مقدار و میزان خسارات احتمالی، عمده و انبوه بوده است، چنانچه مرتکب محارب شناخته نشود، وی را به حبس تعزیری از بیست و پنج تا سی سال محکوم می نماید.

به این ترتیب، برابر این قانون، وارد کردن هر نوع سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل به کشور، خارج کردن آنها از کشور، ساخت، مونتاژ، نگهداری، حمل، توزیع، تعمیر و هرگونه معامله آنها بدون مجوز مراجع ذیصلاح جرم است و مرتکب به مجازات های مندرج در این قانون محکوم می شود.

نکاتی که از مطالعه این قانون قابل دریافت است:

۱. این قانون، علاوه بر قاچاق اقلام ممنوعه کشتار جمعی، در مورد تولید، مونتاژ، نگهداری، خرید و فروش، سلاح های مذکور و قطعات و مهمات آنها نیز متضمن احکام مشخص است.

۲. عمده تاً ناظر بر اقدامات افراد بوده، در رابطه با اشخاص حقوقی حکمی در بر ندارد.

۳. در مورد تعیین اقلام ممنوعه، مفاد معاهدات بین المللی تخصصی مربوط که به تصویب کشور رسیده است، به عنوان معیار و ملاک مورد تأیید قرار نگرفته است.

۴. در رابطه با نحوه برخورد با اقلام مذکور توسط مراجع قانونی متعاقب صادره و ضبط این اقلام، رعایت تعهدات بین المللی مربوط تأکید نشده است. البته در این موارد، وزارت دفاع متعاقب تحویل اقلام مذکور ملزم به اجرای قوانین الحاق به معاهدات مربوط خواهد بود.

۵. این قانون با پوشش دادن به بخشی از اقدامات ممنوعه مرتبط با سلاح های کشتار جمعی، از فرایند جرم انگاری استفاده نموده و بخشی از ظرفیت های حقوق داخلی در این زمینه را فعال نموده است. با این حال این اقدامات هرچند لازم هستند، اما برای

تحقق جرم‌انگاری جامع سلاح‌های کشتارجمعی به ویژه بیوتروریسم، نیازمند اقدامات تقنینی تکمیلی خواهند بود (میرزایی، ۱۳۹۰، بی تا).

۶. در بند الف ماده ۱۱ این قانون مرتکب قاچاق، ساخت و مونتاژ مواد میکروبی و بیولوژیک را به حبس از بیست و پنج تا سی سال محکوم نموده است. و در بند الف ماده ۱۲ نیز خرید، فروش، حمل، نگهداری و هر گونه معامله دیگر در مواد رادیواکتیو یا میکروبی را به حبس از پانزده تا بیست و پنج سال محکوم نموده است. و مطابق ماده ۱۵ هرگاه مرتکبین جرائم موضوع مواد (۱۱) و (۱۲) این قانون یا یکی از آنها مسلح باشد، حسب مورد مجازات، یک درجه تشدید می‌شود و چنانچه در برابر مأموران دولتی مقاومت مسلحانه نمایند، در صورتی که محارب شناخته نشوند، به حبس تعزیری از بیست و پنج تا سی سال محکوم می‌شوند.

جهت تشدید مجازات در این قانون عبارتند از مسلح بودن مرتکبین، مقاومت مسلحانه در برابر مأموران دولتی و ارتکاب توسط گروهی سازمان یافته اعلام شده است. به نظر می‌رسد این قانون مهم‌ترین ضمانت اجرای کیفری مواد میکروبی را در قوانین داخلی پیش‌بینی نموده است. زیرا همان‌طوری که در بخش‌های قبلی این اثر گفته شد، در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ فقط پخش مواد بیولوژیک جرم‌انگاری گردیده است. اما در این قانون به قاچاق، ساخت، مونتاژ مواد میکروبی و هر گونه معامله دیگر از قبیل خرید، فروش، حمل، نگهداری مواد میکروبی اشاره شده است. ولی ایراد این قانون این است که به پخش، تملک، اکتساب، انتقال، توسعه یا انباشت غیرقانونی، سرقت، تحصیل متقلبانه و قاچاق سموم، عناصر و مواد میکروبی و بیولوژیک که می‌تواند از مصادیق جرم بیوتروریسم باشد، اشاره‌ای نشده است، از طرفی عوامل بیولوژیک، طیف وسیعی از میکروب‌ها، ویروس‌ها، باکتری‌ها و مواد بیماری‌زای دیگر را نیز شامل می‌شود که در این قانون فقط مواد میکروبی جرم‌انگاری گردیده است. بخش دوم ایراد یعنی تعریف مواد میکروبی در بند ض ماده (۱) آیین نامه اجرایی قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۲۱ برطرف گردیده است، زیرا در این بند مواد میکروبی را به درستی تعریف نموده است.

اسناد بین‌المللی و قوانین و مقررات موضوعه ایران، هر کدام به نوعی به موضوع مبارزه با تروریسم زیستی پرداخته‌اند و در نتیجه لزوم مقابله با این پدیده شوم را مورد تأکید قرار داده‌اند. اما به نظر می‌رسد پاسخگوی نیازهای حقوقی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و ... جامعه امروز نیست.

به عنوان نمونه کاربرد عناوین مبهم و واژه‌هایی همچون «به طور گسترده»، «موجب اخلال شدید»، «ورود خسارت عمده» و «اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع» در حقوق داخلی، که هیچ‌گونه معیاری در احراز و شناخت آنها ارائه نشده است. معلوم نشده بر چه اساسی می‌توان به تحدید و تعیین و شناخت مرزهای گسترده و شدید و عمده و وسیع پرداخت، همچنین ذکر این قیود با اصول حقوق کیفری و فقهی سازگاری نداشته و چه بسا در بعضی موارد منجر به تفسیر موسع خواهد شد.

در اسناد بین‌المللی نیز وضع همین گونه است چراکه اشکال مختلف بیوتروریسم تا زمانی که «به صورت گسترده» ارتکاب پیدا نکند، مشمول هیچ یک از جنایات بین‌المللی موضوع صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار نخواهند گرفت. به عنوان مثال: از جمله مصادیقی که می‌توان به موجب ماده ۵ اساسنامه دیوان، در زمره اقدامات بیوتروریستی قلمداد کرد: «ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه»، مذکور در ماده ۷ اساسنامه تحت عنوان جرم «نسل‌کشی»، «اعمال غیرانسانی مشابه دیگری که عمداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد» مذکور در ماده ۶ اساسنامه تحت عنوان «جنایت ضدبشریت».

کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیک ۱۹۷۲، که مهم‌ترین سند بین‌المللی ممنوعیت سلاح‌های زیستی است، فاقد یک سیستم راستی‌آزمایی است به گونه‌ای که هیچ مرجع بین‌المللی مسئولیت بررسی پایبندی کشورهای عضو را عهده دار نیست یا کنوانسیون ژنو ۱۹۲۵؛ هیچ‌گونه ضمانت اجرایی در رابطه با کشور متخلف و تعیین مرجع تشخیص غرامت و چگونگی اخذ آن، پیش‌بینی نگردیده است. در قوانین و مقررات داخلی نیز به جز قانون مقابله با قاچاق اسلحه و مهمات مصوب ۱۳۹۰ و ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، نداشتن ضمانت اجرا نقطه ضعف آنهاست. به عنوان مثال: مطابق تبصره (۱) ماده ۱۲۲ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰ ورود قطعی کالای دو منظوره مورد سوء استفاده بیوتروریسم، براساس اعلام وزارت اطلاعات حسب مورد ممنوع می‌شود. یا در بند چ ماده ۳۱ قانون برنامه ششم، هرگونه رهاسازی، تولید، واردات و مصرف محصولات تراریخته، تحت شرایطی ممنوع گردیده است، اما ضمانت اجرایی هیچ کدام از آنها پیش‌بینی نگردیده است.

از دیگر نقاط ضعف قوانین موجود این است که، با توجه به تنوع و گستردگی تهدیدات بیولوژیک و حوزه نفوذ وسیع آن در بخش‌های مختلف، اولاً دامنه قوانین و

مقررات داخلی بسیار محدود بوده و همه‌ی موارد را پوشش نداده است؛ ثانیاً به جز در موارد بسیار محدود، جرم‌انگاری صورت نگرفته است. به عنوان مثال در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ فقط پخش مواد سمی و میکروبی را جرم دانسته است، و هیچ اشاره‌ای به تهیه، تولید، تملک، خرید، فروش، ساخت، اکتساب، انتقال، حمل، توسعه، انباشت، استفاده و ... مواد بیولوژیک نکرده است، از طرفی عوامل بیوتورویسم فقط محدود به مواد سمی و میکروبی نمی‌گردد، بلکه طیف وسیعی از بیماری‌ها، ویروس‌ها، باکتری‌ها و توکسین‌ها را هم شامل می‌شود. ثالثاً در سیاست تقنینی ایران به صراحت به جرایم بیوتورویستی اشاره نشده است. رابعاً در مواد قانونی موجود قانون‌گذار بدون در نظر گرفتن سود حاصله از این جرم، برای تروریست‌ها مجازات کمی در نظر گرفته است.

اسناد بین‌المللی نیز تهدیدات زیستی را احصاء ننموده و نوع مواد، عوامل یا مصادیق مواد سمی و بیولوژیک یا نوع سمی که ممنوعیت دارد را مشخص نکرده است. به عنوان مثال در بند ۱ ماده (۱) کنوانسیون ممنوعیت سلاح‌های بیولوژیک ۱۹۷۲، دول طرف کنوانسیون متعهد می‌شوند که هرگز و تحت هیچ اوضاع و احوالی به تکمیل و توسعه و تولید و ذخیره و یا به نحوی از انحاء به تحصیل و نگهداری مواد عوامل میکروبی ... مبادرت ننمایند. اما به هیچ کدام از مصادیق و عوامل میکروبی و سمی یا استفاده از آن‌ها اشاره‌ای نشده است.

به نظر می‌رسد در حقوق داخلی، مجلس شورای اسلامی و دستگاه‌های متولی مبارزه با بیوتورویسم تاکنون به اندازه کافی تهدیدات بیوتورویستی را جدی نگرفته، وضع قانونی جامع و کامل که همه‌ی ابعاد، عوامل و مصادیق بیوتورویسم را در بر بگیرد، ضروری نمی‌دانند؛ به همین دلیل تشکیل کمیسیون ویژه و تدوین طرح جامع مبارزه با بیوتورویسم تاکنون معطل مانده یا به کندی پیش رفته است.

اسناد بین‌المللی نیز، اگرچه با پوشش دادن به بخشی از اقدامات ممنوعه مرتبط با سلاح‌های کشتارجمعی، از فرایند جرم‌انگاری استفاده نموده و بخشی از ظرفیت‌های حقوق داخلی در این زمینه را فعال نموده است. با این حال این اقدامات هرچند لازم هستند، اما برای تحقق جرم‌انگاری جامع سلاح‌های کشتارجمعی به ویژه تهدیدات بیولوژیک، نیازمند اقدامات تکمیلی مانند: از سرگیری کنفرانس‌های بازننگری، کنترل صادرات زیستی، تقویت سیستم ایمنی امنیت زیستی، تدوین کردارنامه دانشمندان و مراکز تحقیقاتی و تقویت اقدامات اطمینان‌ساز خواهند بود.

رویکردی تحلیلی بر سازکارهای مبارزه با.../ سید علی اکبر موسوی و دیگران ۱۵۳

نبود سازکارهای مشخصی در اسناد بین الملل پیرامون بیوتروریسم، عملاً فضایی را برای کشورها فراهم ساخته تا بر اساس منافع، برداشت خود از تعهداتی که بعهد گرفته‌اند، را به اجرا بگذارند. به عنوان مثال: مفاد کنوانسیون سلاح‌های زیستی ۱۹۷۲ و دستاوردهای کنفرانس‌های بازنگری، مجموعه‌ای از مقررات را ایجاد نموده تا اعضا ذیل این توافقات سازکارهایی را که پذیرفته‌اند به اجرا گذارند. این سازوکارها تا زمانی که در یک رژیم حقوقی جامع به صورت الزام‌آور در نیاید نمی‌تواند آهنگ اجرای کنوانسیون توسط اعضا را یکنواخت نماید (میرزایی، ۱۳۹۰: ۱۳۳).

در قوانین و مقررات داخلی نیز، با عنایت به گستره تهدیدات بیولوژیک و عدم کارآمدی قوانین موجود؛ نبود سازکار قدرتمندی برای جلوگیری از ارتکاب جرایم بیوتروریستی که بتواند همه‌ی موارد، عناصر و مصادیق بیوتروریسم را پوشش دهد مشهود است، زیرا ۲۸۶، منحصراً به «پخش مواد سمی و بیولوژیک» اشاره داشته و سایر موارد را جرم‌انگاری ننموده است.

کنوانسیون سلاح‌های زیستی ۱۹۷۲، تعهداتی را برای کشورهای عضو ایجاد نموده و برنامه‌های تهاجمی نظامی را تحت هر شرایطی منع کرده است. با وجود این، مفاد کنوانسیون بین اهداف یا مقاصد نظامی و غیر نظامی تفکیکی قائل نشده است. به عبارت دیگر امکان انتقال فناوری از بخش غیرنظامی به نظامی مجاز است، مشروط بر این که فعالیت نظامی حمایتی باشد نه تهاجمی (شیشه‌چی‌ها، ۱۳۹۲: ۴۷).

در حقوق داخلی، در بند ۲-۲ طرح جامع میکروبی کشور مصوب ۱۳۷۸، مسئولیت اصلی مقابله با شیوع طبیعی بیماری‌های میکروبی بر عهده نهادهای غیرنظامی بویژه وزارت بهداشت و جهاد کشاورزی گذاشته شده است و در صورت احتمال کاربرد سلاح‌های میکروبی، مدیریت آن بر عهده نهادهای نظامی کشور می‌باشد و در بند (ج) ماده ۲۰۶ قانون برنامه پنجم مصوب ۱۳۸۹، مسئولیت مدیریت مقابله با تروریسم بیولوژیک به وزارت اطلاعات محول شده است، و در بند (۱) و (۲) قسمت (ب) ماده ۱۰ اساسنامه پدافند غیر عامل مصوب ۱۳۹۳، مدیریت مقابله با تهدیدات نوین دشمن (سایبری، زیستی، شیمیایی، اقتصادی) از وظایف عملیاتی این سازمان محسوب می‌شود. حال پرسش اینجاست با توجه به موارد مذکور، مدیریت مستقیم مقابله با بیوتروریسم را کدام نهاد یا وزارت خانه برعهده دارد؟

۵. نتیجه گیری

بیش از چند ماه است که کرونا و ویروس به خبر اول تمام رسانه‌های مختلف دنیا تبدیل شده و تاکنون (زمان نگارش این مقاله) ده‌ها میلیون نفر در سراسر جهان به این ویروس خطرناک مبتلا و صدها هزار نفر را به کام مرگ فرستاده است. از سویی تمام معادلات سیاسی، بهداشتی، اقتصادی، نظامی، دفاعی و امنیتی را در صحنه ملی و بین‌المللی را بر هم زده است. همزمان اظهار نظرهایی از سوی مقامات برخی از کشورها و متخصصان دانش پزشکی و بیولوژیک مبنی بر بروز یک جنگ بیولوژیکی مطرح شده است. در این اثر تلاش شد رویکرد نظام عدالت کیفری ملی و بین‌المللی در مقابله با بیوتروریسم کرونا و ویروس مورد تجزیه و تحلیل واقع شود.

با بررسی اسناد بین‌المللی مشخص گردید تاکنون تلاش‌های زیادی در جهت مقابله با سلاح‌های بیولوژیک صورت گرفته است. مهم‌ترین آن‌ها پروتکل ۱۹۷۲ ژنو و کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیک ۱۹۷۵ می‌باشد که به دلایلی مانند: بکارگیری عبارات مبهم، نداشتن ضمانت اجرا و مکانیسم راستی‌آزمایی موثر و همچنین ابهام‌هایی در متن کنوانسیون، نمی‌تواند مانع از اقدامات بیوتروریستی شود، فقط تعهداتی کلی را برای امضاکنندگان ایجاد کرده است تا دولت‌های عضو اقداماتی پیشگیرانه، وضعی و جرم‌انگارانه را در پیش گیرند.

تدابیر نظام حقوقی ایران نیز، در طرح جامع میکروبی کشور، قوانین برنامه پنجم و ششم توسعه، قانون ایمنی زیستی و ... تبلور یافته است که بیشتر ناظر بر ممنوعیت و پیشگیری از دسترسی و تولید سلاح‌های بیولوژیک است نه ارتکاب جرایم بیوتروریستی.

لکن به نظر می‌رسد قانون مقابله با قاچاق اسلحه و مهمات مصوب ۱۳۹۰ مهم‌ترین ضمانت اجرای کیفری مواد میکروبی را در قوانین داخلی پیش‌بینی نموده است. اما در این قانون به پخش، تملک، اکتساب، انتقال و توسعه عناصر و مواد میکروبی و بیولوژیک که می‌تواند از مصادیق جرم بیوتروریسم باشد، اشاره‌ای نشده است. زیرا عوامل بیولوژیک، طیف وسیعی از میکروب‌ها، باکتری‌ها، انگل‌ها، قارچ‌ها و ویروس‌ها مانند ویروس کرونا را نیز شامل می‌شود که در این قانون فقط مواد میکروبی جرم‌انگاری گردیده و ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز فقط پخش مواد میکروبی و سمی و خطرناک را جرم‌انگاری نموده است. گرچه این موازین قانونی گام مهم و مثبتی در جهت مبارزه با این پدیده شوم می‌باشد و می‌تواند مهم‌ترین عنوان

مجرمانه قابل تطبیق با برخی از صور بیوتروریسم را در بر داشته باشد؛ اما به دلایل پیش گفته، نمی‌تواند مانع جرائم بیوتروریستی گردند.

من حیث مجموع چنین استنباط می‌شود که دامنه قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی در زمینه جرم‌انگاری جرایم بیوتروریستی بسیار محدود بوده و از جامعیت لازم برخوردار نمی‌باشد، زیرا تدابیر حقوق بین‌المللی تاکنون نتوانسته است مانع دستیابی تروریست‌ها به عوامل بیولوژیک شود و در مواردی نتایج معکوس داشته و حتی از انجام تحقیقات مفید در این حوزه جلوگیری کرده است، لذا نیاز به تکمیل و اصلاح قوانین بین‌المللی از لحاظ داشتن ضمانت اجرای قوی و پیش‌بینی یک سیستم راستی‌آزمایی کارآمد و فنی، لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

در حقوق داخلی نیز چنین برداشت می‌شود که، سرعت عمل در این زمینه بسیار کند بوده و در جاهایی شاهد توقف بوده‌ایم، فلذا مقنن ایرانی، باید با توجه به گستره وسیع و پیامدهای زیان‌بار سلاح‌های بیولوژیک و نبود سازکار قدرتمندی برای جلوگیری از ارتکاب این گونه جرائم، با عمل به تعهدات بین‌المللی خود و با درک حساسیت روز افزون تهدیدات زیستی، موضوع را هرچه سریع‌تر در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار داده؛ با جرم‌انگاری مستقل جرایم بیوتروریستی، قوانین موجود را تکمیل یا بازنگری نماید.

سخن آخر این که، اگر حقوق ملی و بین‌المللی به دنبال تقویت معیارهای حقوقی برای برخورد با این گونه سلاح‌های مرگبار است باید با تعیین دقیق و صریح استانداردها یا معیارهای مشخص و توافق‌شده‌ای در مورد میزان یا مقدار عوامل بیولوژیک و سمی برای دولت‌ها در جهت اهداف صلح‌آمیز و همچنین مشخص نمودن مواد، عوامل و مصادیق سلاح‌های بیولوژیک به طور دقیق و تهیه‌ی کنوانسیون‌هایی مانند فعالیت‌های هسته‌ای و شیمیایی، برای جلوگیری از دستیابی، تولید، توسعه، ذخیره‌سازی، منع به-کارگیری و هر گونه فعالیت بیولوژیک با همکاری کشورها مختلف جهان و ایجاد یک سازمان مرکزی جهت بررسی عملکرد دولت‌ها در خصوص اجرای مفاد کنوانسیون با تعیین مرز بین فعالیت صلح‌جویانه غیر صلح‌جویانه با پیش‌بینی یک سیستم راستی‌آزمایی قوی و قدرتمند گام بردارد. از طرفی برای جلوگیری از دستیابی یا محدود نمودن دستیابی تروریست‌ها به این گونه مواد و مجازات عاملان استفاده کننده از سلاح‌های بیولوژیک به عنوان مجرمین بین‌المللی و ناقضین صلح و امنیت بین‌المللی ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد تلاش کند.

در پایان پیشنهاد می‌گردد مقرر قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه کشور مبنی بر «تدوین طرح جامع مبارزه با تروریسم زیستی (بیوتروریسم)» تنظیم و به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. به طوری که در این طرح با اتخاذ یک سیاست جنایی افتراقی، با وضع قوانین مستقل جرایم بیوتروریستی و در زمره جرایم مطلق قلمداد نمودن این‌گونه جرایم، ضوابط ویژه‌ای برای رسیدگی به جرایم بیوتروریستی در قانون آئین دادرسی کیفری نیز پیش‌بینی گردد.

دوم: رشته مستقلی تحت عنوان «حقوق بیوتروریسم یا حقوق میکروبیولوژی» در دانشگاه‌های کشور ایجاد گردد تا بتواند حقوق را با فناوری زیستی پیوند دهد. سوم: با هماهنگی و مسئولیت قرارگاه زیستی سازمان پدافند غیر عامل کشور مصوب ۱۳۹۳ و همکاری همه‌ی وزارتخانه‌ها و نهادهای عضو کمیته دائمی پدافند غیر عامل، موارد ذیل انجام و موضوعات نیازمند به وضع قانون یا تکمیل و اصلاح قوانین موجود به دستگاه قانون‌گذاری کشور ارسال گردد.

۱. بانک اطلاعاتی جامعی از عوامل و مصادیق مواد بیولوژیک در تمام حوزه‌ها ایجاد گردیده، برای هر حوزه آئین‌نامه و پروتکل خاص آن حوزه تدوین گردد. به عنوان مثال لیستی از مواد سمی و میکروبی و خطرناک که پخش آن‌ها در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم‌انگاری شده است را تهیه و امکان بازبینی آن را هر ساله با توجه به موارد جدید ممکن سازد.

۲. یک نظام مرزبانی جامع زیستی با امکانات پیشرفته ایجاد گردیده تا بتواند همه مرزهای ریلی، زمینی، هوایی، پروازی و... را در مواقع ضروری - مانند آنچه در موضوع انتشار کرونا و ویروس اتفاق افتاد و لازم بود نظارت ویژه‌ای بر مرزهای کشور صورت گرفته تا از انتقال این ویروس به داخل کشور جلوگیری نماید - کنترل نماید.

۳. سازمان پدافند بیوتروریسم به‌طور کاملاً مستقل با اختیارات ویژه و با مسولیت مستقیم مبارزه با بیوتروریسم تشکیل گردد.

۴. به تمام مدیران کشور برای آمادگی و مقابله با این‌گونه تهدیدات و پیشگیری تشخیص و درمان و رفع آلودگی آن‌ها آموزش‌های لازم داده شود.

۵. با توجه به تجربه‌های تلخ و شیرین کسب شده در انتشار ویروس کرونا، نسبت به تقویت و تکمیل و تجهیز زیرساخت‌های بهداشتی و بیماری‌های عفونی در بیمارستان‌ها و به‌طور کلی نظام سلامت کشور مانند ایجاد آزمایشگاه‌های مرجع و مستقل بیوتروریسم در سراسر کشور و تهیه وسایل حفاظت فیزیکی در مقابل عوامل بیولوژیک مانند ماسک

و مواد ضد عفونی کننده و... و توسعه برنامه‌های واکسیناسیون اقدام گردد. در حوزه بین‌المللی؛ اول: بدیهی است با شیوع و گسترش ویروس کرونا، جهان در ابتدای راهی سخت برای مبارزه با بیوتروریست‌ها قرار گرفته است، در این راستا نیازمند برخوردی هماهنگ، سنجیده، اجرایی و بازدارنده با سلاح‌های مهلک بیولوژیک می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد در کنفرانس بازنگری نهم که در سال ۲۰۲۱ برگزار خواهد شد، کشورهای عضو کنوانسیون، بویژه جمهوری اسلامی ایران که یکی از اعضای فعال کنفرانس در دوره‌های قبلی بوده است، با هماهنگی گروه موسوم به «نم» (Non-aligned or non-aligned movement)، آمریکا را تحت فشار قرار داده، پروتکل الحاقی کنوانسیون که حاصل بیش از ۷ سال تلاش فنی صدها دانشمند این حوزه بوده است را تصویب و اجرایی نموده، جهت تقویت کنترل و نظارت بر قوانین و مقررات بین‌المللی، هرگونه تلاش برای دستیابی، ذخیره، تولید، آزمایش، و بکارگیری غیرصلح-آمیز سلاح‌های بیولوژیک را ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد و در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری تعریف نمایند.

دوم: به نظر می‌رسد، با توجه به بیماری همه‌گیر کوید ۱۹، یک تغییر اساسی در ذهنیت جامعه جهانی در رابطه با اجرای کنوانسیون بوجود آمده است. از طرفی در شرایط فعلی، این معاهده بیشتر از یک کنوانسیون معمولی اهمیت دارد. سهل‌انگاری در اجرای آن ممکن است بر سلامت عمومی و نظم و امنیت بین‌المللی در جهان تأثیر داشته باشد. زیرا بیماری همه‌گیر کروناویروس به همه دنیا نشان داده است که عوامل بیماری‌زای میکروسکوپی که انسان‌ها، گیاهان و حیوانات به طور مستقیم و غیرمستقیم به آن آلوده می‌شوند، می‌توانند اثرات بسیار ناخوشایندی بر سلامت، امنیت و اقتصاد جامعه بین‌المللی داشته باشند. در این زمینه، پیشنهاد می‌شود دستور کار نهمین کنفرانس بازنگری کنوانسیون که در سال ۲۰۲۱ برگزار می‌شود ارزیابی و بررسی ویروس کرونا و راه‌های مقابله حقوقی با آن و همچنین موارد مشابه مطابق با کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک باشد به طوری که سبب تقویت کنترل و نظارت بر قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. از جمله: سخنگوی وزارت خارجه چین نوشت «ممکن است ارتش آمریکا اپیدمی کروناویروس جدید را به ووهان آورده باشد. شفاف باشید! اطلاعات خود را در اختیار

عموم قرار دهید! آمریکا یک توضیح به ما بدهکار است». (خبرگزاری خبر آنلاین، ۹۸/۱۲/۲۳).

نائب رئیس دوما روسیه نیز، آمریکا را عامل اصلی انتشار ویروس کرونا در چین معرفی کرد. و گفت: قطعاً آمریکایی‌ها پشت شیوع ویروس کرونا قرار دارند. ایکن، ۹۸/۱۲/۱۰. درستی و صحت این احتمالات را «ویلبور راس» وزیر بازرگانی آمریکا در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی فاکس نیوز تقویت می‌کند. ایشان به نقش ایالات متحده در شیوع این بیماری در چین اذعان کرد و گفت که شیوع کرونا در چین می‌تواند روند بازگشت مشاغل به ایالات متحده را تسهیل کند.

همچنین «اورلی لوی ابکاسیس» عضو کنست رژیم صهیونیستی و گزینه وزارت بهداشت این رژیم، به طور ضمنی کرونا را طراحی شده برای نبردهای بیولوژیک خواند، پیش از او «دنی شوهم» مقام پیشین اطلاعاتی رژیم اسرائیل نیز کرونا را طراحی شده در آزمایشگاه‌ها و انتشار آن را عمدی دانسته بود.

۲. بند ض ماده (۱) آیین نامه اجرایی قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۲۱ اشعار می‌دارد: «موادی که تسری‌دهنده باکتری‌ها (مانند سیاه زخم، بوتولیس و طاعون)، ویروس‌ها (مانند کریمه، کنگو و تب کب)، قارچ‌ها (مانند آفلاتوکسین‌ها) و انگل‌هایی می‌باشند که خاصیت بیماری‌زایی بالا، ناتوان‌کنندگی قوی و مهلک برای همه موجودات زنده دارند و به طور کلی هرگونه سوء استفاده از عوامل بیولوژیک و فراورده‌های آن‌ها که سلامت یا ساختار انسان‌ها، منابع طبیعی و حتی اهداف غیرزنده را تهدید نموده و مخل امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی گردد».

کتاب‌نامه

- اسدی، محمد و وروایی، اکبر (۱۳۹۸)، «سیاست جنایی تقنینی ایران در خصوص تروریسم علیه آب»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۹، شماره ۱.
- اورسجی، محمد مهدی (۱۳۹۶)، «بیوتروریسم غذایی و جایگاه آن در حقوق کیفری بین الملل»، چهارمین کنفرانس بین‌المللی کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست پایدار.
- برهانی، محسن (۱۳۹۴)، «افساد فی الارض: ابهام مفهومی، مفسد عملی»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، شماره ۲ و ۳.
- برهانی، محسن و احمدزاده، رسول (۱۳۹۷)، «معیارهای ناظر بر شناسایی مفسد فی الارض با تاکید بر جرائم مواد مخدر»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۸، شماره ۲.

رویکردی تحلیلی بر سازکارهای مبارزه با.../ سید علی اکبر موسوی و دیگران ۱۵۹

خبرگزاری خبر آنلاین، ۹۸/۱۲/۲۳

رنجبر، رضا (۱۳۹۴)، «بیوتروریسم و جنگ افزارهای زیستی»، راهبرد پایدار، نشریه علمی تخصصی پدافند غیر عامل، آبان ماه، شماره دوم.

شاه حسینی، محمدحسن (۱۳۸۰)، «بیوتروریسم؛ شیخ جنگ‌های بیولوژیک»، نشریه طب نظامی، دوره ۳، شماره چهارم.

شیشه‌چی‌ها، مصطفی (۱۳۹۲)، «کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیک و تحقیقات دو منظوره در حوزه زیستی»، ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۲۷۲.

صالحی جوزانی؛ الهه سلیمانی (۱۳۹۷)، «بررسی وضعیت قوانین و مقررات حوزه محصولات تراریخته و ایمنی زیستی در کشور»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گروه فناوریهای نو.

علی‌پور، نرگس (۱۳۸۵)، «نقد و بررسی پروتکل ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ درباره منع استعمال گازهای خفه کننده، سمی و شبیه آن»، مندرج در: پایگاه اطلاع‌رسانی قربانیان سلاح‌های شیمیایی.

غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۸۴)، «حقوق فناوری؛ بیوتروریسم»، مجله اصلاح و تربیت، اسفند ماه، شماره ۳۹.

محمدی، علی اکبر (۱۳۷۹)، نقش کنوانسیون خلع سلاح میکروبی در جلوگیری از تولید و توسعه سلاح‌های میکروبی، کتاب اولین کنگره ملی بهداشت عمومی و طب پیشگیری، چاپ اول، کرمانشاه، گروه آموزشی بیماری‌های عفونی و گرمسیری علوم پزشکی کرمانشاه.

ممتاز، جمشید (۱۳۷۷)، حقوق بین‌الملل سلاح‌های کشتار جمعی، تهران: نشر دادگستر.

میرزایی، سید احمد (۱۳۷۴)، «ارزیابی تحلیلی از سیر تحولات کنوانسیون زیستی»، فصلنامه راهبرد.

میرزایی، سید احمد (۱۳۹۰)، دیپلماسی کنترل جنگ‌افزارهای زیستی، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.

میرکمالی، علیرضا و حاجی‌وند، امین و دیگران (۱۳۹۷)، «تروریسم زیست‌محیطی در حقوق ایران و فرانسه و تطبیق آن با جرم‌انگاری‌های مشابه در ایران»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۸، شماره ۲.

میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۳)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات میزان.

میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۴)، جرایم بر ضد امنیت و آسایش عمومی، چاپ اول، تهران: نشر داد.

هاشمی، سیدحسین (۱۳۹۵)، تروریسم از منظر اسلام و اسناد بین‌المللی، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- Anthony H. (2001), Asymmetric and Terrorist Attacks with Biological Weapons, Center for Strategic and International Studies.
- Clifford, H (2008), Microbial Bioterrorism, in: Fauci, Braun Wald, Kasper, rrr rsson's Internal Medicine, New York: Mc Grew Hill.
- Donald, A. (1999), The Looming Threat of Bioterrorism, Science 2(1) Vol. 283, Issue 5406.
- Lederberg, Joshua (2000), Biological Warfare and Bioterrorism in: Mandal, Douglas and Bnn''''s Prnppp and Prectice of Infectious Diseases, Philadelphia: Churchill Livingstone,
- Robertson, AG., Robertson, LJ (1995), from Asps to Allegations: Biological Warfare in History.
- sobel J, knan (2002), As AND SWERDLOW dl. Thereat of biological terrorist attack on The US food supply: The CDC perspective. Lancet.

